

محمود عبدالله زاده

سیاست ورزی در ایران مدرن

اقتصاد سیاسی ایران، ۱۳۲۰-۱۳۲۵



فرهنگ جاوید

فهرست

۱۳	بیش‌گفتار
	فصل اول: مقدمه: نگاهی گذرا به اوضاع سیاسی ایران
۱۷	در اواخر دوران قاجار
۴۹	فصل دوم: روابط ایران با آلمان، اتحاد شوروی، بریتانیا
۴۹	روابط با آلمان
۵۵	روابط با اتحاد شوروی
۶۳	روابط با بریتانیا
۷۴	جنگ تبلیغاتی کشورهای درگیر در جنگ در ایران
۸۳	فصل سوم: اشغال ایران
۸۳	سیاست بی‌طرفی
۸۷	اشغال ایران
۱۰۹	راه‌آهن سراسری ایران: یک دستاورد ملی
۱۱۷	فصل چهارم: انگلستان خائن
۱۱۷	سقوط رضاشاه
۱۳۱	احیای سلسله قاجار

۱۳۹	فصل پنجم: از اشغال تا اتحاد
۱۳۹	شروط و مناطق اشغالی بریتانیا و شوروی
۱۴۳	بازداشت آلمانی‌ها
۱۵۰	تأثیر اشغال بر اوضاع داخلی: اقدامات روس‌ها
۱۵۷	در مناطق اشغالی
۱۵۸	مسئله ریال
۱۶۷	اصلاحات داخلی
۱۷۷	بیمان اتحاد سه‌جانبه
۱۷۷	فصل ششم: بحران‌ها
۱۷۷	بحران کابینه دولت
۱۸۳	بحران سیاست خارجی
۱۸۷	بحران غذا، ریال، و انحلال مجلس
۲۱۹	فصل هفتم: سیاست انتظار
۲۳۲	سازمان‌های طرفدار آلمان
۲۳۲	۱. ملیون ایران
۲۳۴	۲. گروه گلمحمدی
۲۳۸	۳. حزب کبود
۲۴۰	۴. گروه سیاهپوشان
۲۴۲	۵. جمعیت ملی حمایت از درماندگان ایران
۲۴۳	۶. حزب ایران آزاد
۲۴۳	۷. انجمن تبلیغات ایران
۲۴۴	۸. ایران بیدار
۲۴۵	۹. گروه FN
۲۴۵	۱۰. سازمان راه‌آهن
۲۴۶	۱۱. سازمان نیروهای مسلح و شهربانی (پلیس)
۲۴۶	۱۲. روابط با ایالات
۲۵۶	رابطه قوام السلطنه با آلمانی‌ها

۲۶۵	فصل هشتم: انتخابات مجلس چهاردهم
۲۷۵	بازگشت سید ضیاء‌الدین طباطبایی
۲۸۳	کارزار انتخابات مجلس چهاردهم
۲۸۷	برگزاری انتخابات
۲۹۷	دوام کابینه سهیلی
۳۰۱	فصل نهم: شوروی و امتیاز نفت ایران
۳۱۰	تقاضای شوروی برای اعطای امتیاز نفت
۳۳۱	فصل دهم: سیاست زور اتحاد شوروی
۳۳۸	دولت بیات
۳۴۷	تقاضای دولت دربارهٔ تخلیه نیروهای بیگانه
۳۶۵	فصل یازدهم: گذر از بحران‌ها
۳۶۵	تشکیل حکومت فرقهٔ دموکرات آذربایجان
۳۸۷	عدم خروج نیروهای شوروی از ایران
	جنگ نیابتی بریتانیا و شوروی در جنوب: اعتصاب بزرگ
۳۹۹	کارگران نفت آبادان
۴۱۳	نهضت مقاومت عشایر جنوب
۴۱۶	”یاشاسین آذربایجان“
	ضمائم
	ضمیمهٔ ۱: بازداشت‌شدگان ایرانی و خارجی در
۴۲۷	بازداشتگاه سلطان‌آباد (اراک)
	ضمیمهٔ ۲: احزاب و جمعیت‌های سیاسی و اتحادیه‌های
۴۳۵	کارگری (۱۳۲۰-۱۳۲۶)
۴۳۵	الف. احزاب و گروه‌های سیاسی
۴۴۸	ب. اتحادیه‌های کارگری
۴۵۵	کتاب‌شناسی
۴۷۷	نمایه

جعفر پیشه‌وری در آذربایجان کرد. سرانجام، در فصل یازدهم به سقوط حکومت یک‌ساله آذربایجان و گذر دولت ایران از بحران‌های پیش‌آمده در این مدت می‌پردازیم و مشاهده می‌کنیم که بار دیگر دولت ایران موفق به حفظ تمامیت ارضی و استقلال کشور می‌شود.

در این کتاب بیش‌تر از منابع دست‌اول کمک گرفته شده است. این منابع در دو گروه جای می‌گیرند: (۱) منابع منتشر نشده، شامل اسناد آرشیوهای ملی کشورهای مختلف، عمدتاً آرشیو اسناد دولت بریتانیا، و (۲) منابع چاپ شده نظیر اسناد منتشر شده دولت‌ها، خاطرات چاپ شده اشخاص، کتاب‌ها، مقالات، روزنامه‌ها و مجلات معتبر. روزنامه‌ها و مجلات ایران اطلاعات ارزشمندی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند. میان سال‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۲۵ حدود ۴۶۴ روزنامه، هفته‌نامه، و ماهنامه در ایران چاپ می‌شدند که اغلب آن‌ها به فارسی و تعدادی نیز به زبان‌های ترکی، ارمنی، انگلیسی، فرانسوی، کردی، روسی، و لهستانی بودند.

سرانجام، به‌رغم این‌که از مطالعه حقایق روشن‌گرانه‌ای که در آن پرونده‌های محرمانه و سری نگهداری می‌شوند لذت می‌بردم و گاهی متعجب می‌شدم ولی هرگز وسوسه نشدم که با ویکتورین ساردو، نمایش‌نامه‌نویس قرن نوزدهم فرانسوی، هم‌عقیده شوم که در نمایش‌نامه‌اش به نام دیپلماسی این موضوع را القا می‌کند که سرنوشت ملت‌ها را زد و بندها و مذاکرات سری رقم می‌زنند.

محمود عبدالله‌زاده

تهران، زمستان ۱۳۹۷

فصل اول

مقدمه: نگاهی گذرا به اوضاع سیاسی ایران در اواخر دوران قاجار

بیش از یک قرن سقوط و انحطاط ایران در دوران حکومت پادشاهان قاجار، زمینه و فرصتی را برای همسایگان قدرتمند ایران، به‌ویژه بریتانیا و روسیه، فراهم کرد تا در امور داخلی ایران مداخله و، به منظور سوءاستفاده از منابع ملی، کشور را به صحنه رقابت‌های سیاسی و اقتصادی‌شان تبدیل کنند. چون شالوده قدرت پادشاهان قاجار عمدتاً بر حمایت‌های مالی و نظامی بیگانگان استوار بود آنان از به‌تاراج‌گذاشتن منابع ملی کشور و اعطای امتیازهای گوناگون، از امتیاز استخراج معادن، تنباکو، احداث راه‌آهن تا نفت و غیره، به قدرت‌های بیگانه دریغ نمی‌کردند. وقتی که در ۱۲۵۱ ناصرالدین‌شاه به بارون پل جولیوس فُن رویتر بریتانیایی آلمانی تبار انحصار استخراج منابع معدنی، احداث راه‌آهن، و جمع‌آوری درآمدهای گمرکات را داد گستره این امتیاز به‌حدی نامتعارف بود که لُرد کرزن، سیاستمدار بریتانیایی آن را چنین توصیف کرد: «امتیاز رویتر» به‌عنوان «کامل‌ترین و شگفت‌آورترین واگذاری کل منابع صنعتی یک کشور پادشاهی به یک فرد خارجی است که احتمالاً هرگز به ذهن کسی در تاریخ خطور نکرده است، چه رسد به این‌که تحقق پیدا کرده باشد.»^۱ به‌علاوه، امتیازهای

قرارداد گلستان و خودداری روسیه از بیرون‌بردن نیروهای نظامی‌اش از ایران درگرفت و منجر به شکست دوباره ایران و قرارداد معروف ترکمانچای در ۱۸۲۸ (۱ اسفند ۱۲۰۶) و جداسدن سرزمین‌های بیش‌تری از ایران شد باز هم بریتانیا نظاره‌گر بود و حمایتی از ایران نکرد. در واقع از منظر سیاست هر دو همسایه شمالی و جنوبی، ایران به‌منزله ابزار مصالحه سیاسی مهمی در رقابت‌های استعماری‌شان تلقی می‌شد: برای روسیه دروازه‌ای به ثروت و منابع فراوان مشرق‌زمین و برای بریتانیا وسیله‌ای برای دفاع از منافع استعماری در خلیج فارس و شبه‌قاره هند.

در سده نوزدهم، در نتیجه رویدادهای ناشی از انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ و پیدایش ملت‌گرایی در اروپا، بریتانیا سیاست موازنه قدرت را در پیش گرفت. اما حفظ این سیاست بسیار دشوار از کار درآمد. در همین حال، ظهور آلمان در اواخر قرن نوزدهم در مقام یک کشور و یک قدرت دریایی نیرومند به تدریج به تهدیدی جدی برای نقش جهانی بریتانیا تبدیل شد و سیاست خارجی بریتانیا را تحت تأثیر قرار داد. افزون بر این، تضعیف روسیه پس از شکست در جنگ با ژاپن در ۱۹۰۴ و انقلاب در ۱۹۰۵، آزادی عمل بیش‌تری در امور بین‌المللی به آلمان داد، و روسیه را نیز به فکر محدودکردن قدرت آلمان در اروپا و همکاری با بریتانیا انداخت. از این‌رو، در ۱۹۰۶، ایزولسکی، وزیر خارجه جدید روسیه، موضوع دستیابی به توافقی دوستانه درباره ایران را با بریتانیا مطرح کرد، و به دولت بریتانیا اطمینان داد که روسیه قصد ضمیمه‌کردن ایران به سرزمین خودش یا به‌دست‌آوردن بندری در خلیج فارس را ندارد. از دیدگاه وزارت خارجه بریتانیا، هدف اصلی روسیه پایان‌بخشیدن به رقابت دیرینه این دو قدرت بود که دولت‌های ایران از آن سوءاستفاده می‌کردند و آن‌ها را به‌جان هم می‌انداختند. تلاش اصلی سیاست بریتانیا در قرن نوزدهم برای حفظ منافع بریتانیا در شبه‌قاره هند جلوگیری از به‌دست‌افتادن کنترل ایران به‌دست روسیه و حفظ ایرانی مستقل، و در عین‌حال پرهیز از درگیری جدی با روسیه بر سر ایران بود. بنابراین ایران باید به‌عنوان یک دولت حائل حفظ می‌شد. ولی با افزایش نفوذ روسیه در شمال ایران ناشی از پیروزی در جنگ‌های بیست‌وپنج‌ساله با ایران و با خطر

دیگری نیز به اتباع بریتانیایی داده شد، از جمله امتیاز تنباکو به مدت پنجاه سال به تالیوت در ۱۲۶۹ و امتیاز کاوش و استخراج انحصاری نفت در منطقه وسیعی به‌استثنای مناطق شمالی کشور به ویلیام ناکس داریسی در ۱۲۸۰. پیامد این اوضاع پیدایش جنبش مشروطه بود که یکی از اهدافش پایان‌دادن به رفتار استعماری دولت‌های خارجی از طریق تشکیل مجلس شورای ملی و نیز واردکردن قدرت سومی به صحنه سیاسی کشور برای خنثی‌کردن فشارهای دولت‌های همسایه شمالی و جنوبی بود.

در قرن نوزدهم، کشور ایران از دیدگاه دولت بریتانیا محل برخورد منافع بریتانیا در اروپا و شبه‌قاره هند تلقی می‌شد. حضور یک قدرت رقیب اروپایی در ایران تهدیدی برای امنیت امپراتوری بریتانیا در هند محسوب می‌شد و این تهدید می‌توانست به‌عنوان اهرمی برای برهم‌زدن موازنه قدرت در اروپا به‌کار برده شود. در همین حال، گسترش امپراتوری روسیه در آسیای مرکزی و تلاش این کشور برای رسیدن به آب‌های گرم خلیج فارس و مطامع استعماری فرانسه در شرق، دولت بریتانیا را بر آن داشت که دو سیاست را هم‌زمان پیش برد: ممانعت از تسلط قدرت‌های دیگر اروپایی، به‌ویژه روسیه و فرانسه، بر ایران و در عین‌حال پرهیز از برخورد مستقیم با آن‌ها بر سر این کشور. در تعقیب این سیاست، بریتانیا به اقتضای حفظ منافعش در شبه‌قاره هند زمانی روابطش را با فرانسه در برابر توسعه‌طلبی امپراتوری روسیه تقویت کرد و در فرصتی دیگر برای مهار جاه‌طلبی‌های استعماری فرانسه با روسیه تزاری متحد شد. در ادامه این سیاست، وقتی که در دوره اول جنگ‌های بیست‌وپنج‌ساله ایران و روسیه در دوران فتحعلی‌شاه قاجار، فرانسه در جنگ‌های موسوم به جنگ‌های ناپلئونی (۱۸۰۳-۱۸۱۵) به روسیه حمله کرد، بریتانیا نه‌تنها هیچ حمایتی از ایران در مقابل تهاجم روسیه نکرد بلکه سرگور اولزی، نماینده سیاسی بریتانیا در ایران به تنظیم و امضای قرارداد گلستان در ۱۸۱۳ (۳ آبان ۱۱۹۲) بین ایران و روسیه، که طی آن ایران بخش‌های بزرگی از سرزمینش را در قفقاز، ارمنستان و گرجستان از دست داد، کمک کرد تا منافع بریتانیا در مشرق‌زمین و اروپا بهتر حفظ شود. در دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه که به دلیل اختلاف بر سر اجرای مفاد